

مقاله پژوهشی

ایران و نقش تاریخی مبارزه با اشغال سرزمین فلسطین از سوی رژیم صهیونیستی (با تأکید بر نقش علمای دینی قبل از انقلاب اسلامی)

مهدی لطفی^۱*

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۲۲

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۹/۲۷

چکیده: قبل از انقلاب اسلامی، علما و رهبران دینی ایران، در برابر اشغالگری فلسطین مواضع روشنی داشتند و به طور مداوم نسبت به ظلم و نقض حقوق مسلمانان در فلسطین اعتراض می کردند و با نقد شدید سیاست های استعماری و صهیونیستی، توجه جهانیان را به مسئله فلسطین جلب و نقش مهمی در شکل دهی به نگاه اسلامی به مبارزات فلسطینی ها ایفا می نمودند. این حمایت ها موجب شد، بعد از انقلاب اسلامی به عنوان یک بازیگر کلیدی در سطح منطقه ای و جهانی در مقابله با اشغالگری اسرائیل شناخته شود. پرسش اصلی این پژوهش، بررسی این نکته است که آیا پیش از انقلاب اسلامی، ایران و به ویژه علمای دینی این کشور، در برابر اشغالگری های اسرائیل و ظلم های روا داشته شده به مردم فلسطین، واکنش و اعتراضی فعال داشته اند؟ فرضیه اصلی این است که علمای دینی ایران، در این زمینه، مواضع فعال و تاثیرگذاری اتخاذ کرده و با استفاده از اصول دینی و فکری، از حقوق مردم فلسطین دفاع کرده اند. چارچوب نظری پژوهش با تأکید بر قاعده نفی سیل تلوین گردیده است این پژوهش با استفاده از روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر تحلیل اسنادی و کتابخانه ای، به بررسی دقیق تر این موضوع می پردازد.

واژگان اصلی: رهبران دینی، مصلحان دینی، قاعده نفی سیل، انقلاب اسلامی، محور مقاومت، اسلام انقلابی.

^۱. استادیار گروه معارف اسلامی و علوم سیاسی، دانشکده اصول الدین، تهران، ایران. (نویسنده مسئول).

۱. مقدمه

مسئله فلسطین به‌عنوان یکی از بحران‌های پایدار و چالش‌برانگیز جهانی، همواره مورد توجه و تحلیل‌های گسترده‌ای در عرصه‌های سیاسی، دینی و انسانی قرار داشته است. در این راستا، نقش و مواضع کشورهای مختلف و شخصیت‌های برجسته در حمایت از حقوق مردم فلسطین و مقابله با اشغالگری‌های اسرائیل، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. در میان کشورهای اسلامی، ایران با تحولات سیاسی و اجتماعی خود پس از انقلاب اسلامی، به‌عنوان یکی از پیشتازان در این عرصه شناخته شده است. اما بررسی دقیق‌تر تاریخچه حمایت ایران از فلسطین، نیازمند بازنگری به دوران پیش از انقلاب اسلامی نیز هست.

قبل از پیروزی انقلاب اسلامی در سال ۱۳۵۷، علمای دینی و رهبران مذهبی ایران، علی‌رغم محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی آن دوران، به‌طور مستمر نسبت به اشغالگری‌های اسرائیل و نقض حقوق مسلمانان در فلسطین اعتراض می‌کردند. مواضع این گروه از شخصیت‌های مذهبی، به‌ویژه در نقد سیاست‌های استعماری و صهیونیستی، نقشی حیاتی در جلب توجه جهانیان به مسئله فلسطین و شکل‌دهی به نگاه اسلامی به مبارزات فلسطینی‌ها ایفا نمود. این اعتراض‌ها و حمایت‌ها نه تنها بر عرصه داخلی ایران تأثیرگذار بود، بلکه در سطح منطقه‌ای و جهانی نیز بازتاب گسترده‌ای داشت.

۲. پیشینه تحقیق

در مورد اعتراض به اشغالگری و حمایت علمای دینی از فلسطین، فعالیت‌های پراکنده پژوهشی به زبان فارسی نگاشته شده است، که به برخی از کتب و مقالات انجام شده در این زمینه اشاره می‌گردد:

رحمانی (۱۳۸۲) در مقاله‌ای با عنوان «قاعده نفی سبیل از منظر فریقین» که در مجله طلوع منتشر شده به جایگاه و ادله این قاعده در میان شیعه و اهل سنت پرداخته است.

ضیابخش (۱۳۸۶) در مقاله‌ای با عنوان «قاعده نفی سلطه» که در نشریه معرفت وحی منتشر شده، اجرای این قاعده را موجب بستن راه نفوذ و تسلط سیاسی اقتصادی بر مسلمانان و حفظ استقلال آن‌ها می‌داند.

رضاخواه (۱۳۹۲) به ابعاد منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای وقوع انقلاب ایران پرداخته شده است.

دبیری (۱۳۹۲) از جمله هدف‌گذاری‌های صورت گرفته در این پژوهش توجه به مولفه‌های گفت‌وگویی

مقاومت اسلامی و چارچوب های نظری مرتبط با آن می باشد که ابتدا به پیشینه های تاریخی این گفتمان از منظر سیاسی، دینی و ملی مورد تحلیل قرار داده است.

مجیدی (۱۳۸۱) در مقاله ای «فلسطین: نگاه مسلمان ایرانی» گریزی هرچند محدود به اندیشه امام خمینی در رابطه با بحث فلسطین داشته است. به خصوص بحث نفوذ استعمار و روز قدس بیشتر مورد تحلیل قرار گرفته است.

اکبری (۱۳۸۸) به بروز و ظهور انقلاب اسلامی ایران و نقش و جایگاه الهام بخشی آن در قرن بیستم در بین کشورها و ملت های منطقه پرداخته شده است.

قاسمی (۱۳۹۷) در این پژوهش به نقش انقلاب اسلامی ایران و اندیشه امام خمینی (ره) در جهان اسلام و تأثیرات عمیقی بر محور مقاومت پرداخته شده است.

بالانس (۲۰۱۸) در این پژوهش به تشکیل هلال شیعی و جایگاه و نقش و ایران به عنوان کوریدور ایرانی در منطقه خاورمیانه اشاره نموده است که از لبنان تا ایران کشیده شده است.

۳. نوآوری

در این پژوهش، نوآوری این تحقیق در شفاف سازی نقش پیشگامانه علما و رهبران دینی ایران پیش از انقلاب اسلامی در اعتراض به اشغالگری فلسطین و نقد سیاست های صهیونیستی است. این پژوهش به طور خاص بر روی تأثیر مستمر و سیستماتیک این حمایت ها در شکل دهی به دیدگاه های اسلامی و ایجاد فضای حمایتی گسترده تر نسبت به مسئله فلسطین تمرکز دارد. از سوی دیگر، این تحقیق به بررسی نحوه انتقال این روحیه حمایتی به بعد از انقلاب اسلامی پرداخته و نحوه تبدیل شدن ایران به یک بازیگر کلیدی منطقه ای و جهانی در مقابله با اشغالگری اسرائیل را تحلیل می کند. این نوآوری به ویژه در بازشناسی و تجزیه و تحلیل پیوندهای تاریخی و فکری میان فعالیت های پیش از انقلاب و تأثیرات آن بر سیاست های پس از انقلاب، اهمیت ویژه ای دارد و به درک بهتر نقش ایران در قضیه فلسطین کمک می کند.

۴. ادبیات پژوهش

«قاعده نفی سبیل در روابط و سیاست خارجی حکومت اسلامی نقش بسزایی دارد در صورتی که قراردادی بین مسلمانان و کفار بسته شده باشد همین که کشف شود قرارداد به زبان جامعه ای اسلامی است قاعده نفی سبیل خود به خود آن قرارداد را باطل می کند؛ و هرچند طبق قاعده وجوب وفای به عهد فسخ آن جایز نباشد اما به دلیل کشف ضرر قاعده نفی سبیل وارد میدان می شود و آن را خنثی

کرده و حاکمیت خود را اعمال می‌نماید». (میری رستمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۵).

قاعده نفی سبیل به‌عنوان یکی از اصول بنیادین فقه سیاسی اسلام، تضمین‌کننده استقلال و حاکمیت جامعه اسلامی در برابر نفوذ و تسلط بیگانگان است. این قاعده به‌ویژه در حوزه سیاست خارجی، چارچوبی مشخص برای تنظیم روابط و قراردادهای ارائه می‌دهد تا از هرگونه وابستگی یا تضعیف موقعیت مسلمانان جلوگیری شود. از این رو، قاعده نفی سبیل نه‌تنها جنبه‌ای بازدارنده دارد، بلکه به‌عنوان ابزاری فعال در حفظ عزت و اقتدار امت اسلامی عمل می‌کند.

مقاومت «مفهومی عام و به معنای تاب آوری، ایستادگی، پافشاری و پایداری در برابر چیزی یا امری است. در تعبیر فوقوبی، مقاومت در همه روابط انسانی و در همه جوامع و فرهنگ‌ها از ریشه‌ای عمیق و دیرینه برخوردار است. فوکو معتقد است که کنش سوژه در برابر قدرت به دو شکل می‌تواند باشد: تسلیم یا مقاومت. او مقاومت را در رابطه با قدرت تعریف می‌کند؛ به این معنا که مقاومت، پاسخی است به اعمال قدرت. یعنی هرچایی که قدرتی وجود داشته باشد، مقاومت هم وجود دارد. از نظر او، هر رابطه قدرتی، دست کم در نهان، متضمن یک استراتژی مبارزه است». (پارسائیان و یوسفی، ۱۳۹۵: ۵۴-۵۵) مقاومت در وجود انسان نیز ریشه دارد. «اصولاً مقاومت در برابر امر ناخوشایند و سلطه مآبانه یکی از خصوصیات ذاتی انسان است در حوزه روابط بین‌الملل و در طول تاریخ به‌ویژه تاریخ معاصر نیز همواره افراد، گروه‌ها، جنبش‌ها، ملت‌ها و کشورها در برابر کشورهایی که به‌لحاظ نظامی سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و غیره ماهیتاً سلطه‌طلب یا استعمارگر بودن مقاومت داشته‌اند.» (پوراسمعیلی، ۱۴۰۰: ۶۳).

۵. چارچوب نظری

تعریف قاعده نفی سبیل

فرهنگ لغت‌ها و معجم‌ها، معانی مختلفی برای واژه سبیل ذکر کرده‌اند که برخی از آن‌ها عبارتند از: «در کتاب منتهی‌الارب سبیل را به‌معنای راه روشن آورده است در قاموس قرآن نیز درباره واژه سبیل چنین آمده است: سبیل اعم است از این‌که راه هدایت باشد مثل فقد ضل سواء السبیل و یا راه معمولی مثل والمساکین وابن السبیل و یا راه ضلالت باشد و گاهی از سبیل، تعدی و تجاوز و سلطه‌گری قصد می‌شود که در واقع راه تجاوز است، مثل فما جعل الله لکم علیهم سبیلاً». (میری رستمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۵) درمورد معنای لغوی سبیل چنین آمده است: «الطریق الذی فیه سهوله بالین وجود درباره معنا و مفهوم سبیل نیز نظرات متفاوت است؛ مامقانی سبیل را به معنی سلطه دانسته

است، البته گروهی از فقها نیز سبیل را در همان معنای راه دانسته و عده‌ای معنای سبیل را بسته به این که کجا به کار رفته، متفاوت می‌دانند امام خمینی معتقد است در قرآن کریم در برخی آیات سبیل به معنای حقیقی را و در بیشتر موارد نیز از آن از آن معنای مجازی اراده شده است. در خصوص قاعده نفی سبیل اکثریت فقها سبیل را به معنای سلطه دانسته و باتوجه به آن، هرگونه تسلط کفار بر مؤمنین را منع نموده و به برتری مسلمین بر کفار رأی دادند». (کهن ترابی و فردوسی، ۱۴۰۱: ۲۸-۲۷).

اصل قاعده نفی سبیل

«قاعده نفی سبیل قاعده‌ای فقهی است که براساس آن در دین حکمی نیست که باعث تسلط کافر بر مسلمان شود. این قاعده را از پرکاربردترین و مهم‌ترین قواعد فقه و احکام ثانویه می‌دانند و می‌گویند بر احکام اولیه تقدم دارد، یعنی هر حکم اولیه‌ای که با آن منافات داشته باشد، باطل می‌شود. اصلی‌ترین و مهم‌ترین مستند این قاعده، آیه ۱۴۱ سوره مبارکه نساء است». (توحیدی نژاد و همکاران، ۱۴۰۲: ۵۴). در اصل نفی سبیل بدین معناست که «خداوند در قوانین و شریعت اسلام هیچ‌گونه راه نفوذ و تسلط کفار بر مسلمین را باز نگذاشته، و هرگونه راه تسلط کافران بر مسلمانان را بسته است پس کافر در هیچ زمینه‌ای شرعاً نمی‌تواند بر مسلمانان مسلط شود. براساس اصل نفی سبیل راه هر نوع نفوذ و سلطه کافر بر جوامع اسلامی در حوزه‌های مختلف سیاسی، نظامی، اقتصادی و فرهنگی باید مسدود شود. از نظر سیاسی نپذیرفتن تحت الحمایتی نفی ظلم و استبداد و استعمار، جایز نبوده و مداخله بیگانگان در امور داخلی کشور اسلامی و تصمیم‌گیری‌های سیاسی تأکید می‌شود و از نظر نظامی تسلط بود بر مقدرات و تدابیر نظامی همچنین عدم وابستگی اقتصادی و جلوگیری از نفوذ فرهنگی و منع استشاره و مشورت در حوزه‌های فرهنگی و نظامی در روابط خارجی مورد توجه است». (میری رستمی و همکاران، ۱۳۹۸: ۱۱۶). اصل نفی سبیل نه تنها از نفوذ خارجی در امور داخلی جوامع اسلامی جلوگیری می‌کند، بلکه تأکید بر استقلال کامل مسلمانان در تمامی زمینه‌ها دارد. این اصل بر لزوم حفظ هویت اسلامی و جلوگیری از هرگونه سلطه و تأثیرات منفی فرهنگی و اقتصادی تأکید می‌کند، تا جوامع اسلامی از هرگونه تهدید خارجی مصون بمانند.

به نوعی باید اذعان کرد که «قاعده نفی سبیل می‌تواند هر نوع میثاق و پیمان نابرابری را منسوخ و کان‌لم‌یکن کند و در روابط خارجی اسلام حکم حق و تو رو داراست بدین ترتیب نفی سبیل یکی از اصول و ارکان حاکم بر دیپلماسی و روابط بین‌الملل اسلامی در زمینه‌های گوناگون نظامی، سیاسی،

فرهنگی و اقتصادی محسوب می‌شود.» (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۲). «شاید در قرآن کریم پس از موضوع جهاد در سیاست خارجی دولت اسلامی، بر هیچ مسئله‌ای سیاسی دیگری نظیر نفی ولایت غیرمسلمانان بر مسلمانان تأکید نشده باشد. این، اصل مهم و حاکم بر سیاست و روابط خارجی دولت اسلامی با غیرمسلمانان تلقی می‌شود. التزام به این اصل می‌تواند راه نفوذ و سلطه کفار بر مسلمین و ضربه بر استقلال آنان در ابعاد سیاسی، فرهنگی، اقتصادی و نظامی را مسدود نماید.» (زارعی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۷۱). شایان ذکر است «مفسران و فقیهان شیعه براساس دیدگاه نفی جعل تشریعی آیه، بسیاری از احکام فردی و اجتماعی را استنباط نموده و بر همین اساس در دوره‌های مختلف، فتوای سرنوشت‌ساز داده‌اند مانند تحریم تنباکو و کاپیتولاسیون (توسط میرزای شیرازی و امام خمینی (ره) و اصل نه شرقی و نه غربی جمهوری اسلامی ایران در سیاست خارجی، که برآمده از چنین اصلی است. قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز در اصول متعدد خود با استناد به نفی و سبیل به‌خصوص در سیاست خارجی، رفتار سیاسی دستگاه دیپلماسی ایران را طراحی و جهت‌دهی می‌کند.» (دیاری بیدگلی و داوری، ۱۴۰۰: ۸).

۶. نقش مصلحان و علمای شیعه ایرانی قبل از انقلاب اسلامی

پیش از انقلاب اسلامی ایران، علمای شیعه و مصلحان دینی ایرانی نقش برجسته‌ای در روشنگری و بیداری اسلامی در برابر اشغالگری صهیونیست‌ها در فلسطین و قدس ایفا کردند. این نقش با تأکید بر مفاهیم دینی، سیاسی و انسانی در قبال مسئله فلسطین، ابعاد گسترده‌ای یافت. علما و مصلحان با بهره‌گیری از آموزه‌های اسلام، به‌ویژه عدالت‌خواهی و حمایت از مظلوم، جامعه مسلمانان را به هوشیاری در برابر توطئه‌های استعمارگران و صهیونیسم فراخواندند. این دوره مقاومت اسلامی از نظر زمانی تقریباً «از تأسیس رژیم اشغالگر قدس از سال ۱۹۴۷ میلادی تا فروپاشی شوروی در سال ۱۹۹۰ میلادی را در برمی‌گیرد. در این دوره گفتمان مقاومت دال دارالاسلام- دارالحرب را گسترش می‌دهد و می‌کوشد تا از طریق مبارزه با حکومت‌های غیرمردمی و پیرو گفتمان غربی، توان هژمون شدن خویش را افزایش دهد.» (دبیری مهر، ۱۳۹۲: ۱۰۷). در تاریخ این سرزمین به‌رغم فراز و فرودها و مشکلات فراوانی که استبداد و استعمار برای مردم ما ایجاد کرده‌است، «صاحبان اندیشه و قلم و روشن اندیشان و آزادمردان مسلمان و غیور به‌ویژه روحانیت آگاه و اصیل در حصار تنگ ناسیونالیسم خود را محصور نکرده، هم نوعان و همسایگان و به‌ویژه هم‌کیشان خواهر و برادران مسلمان خود را از یاد نبرده‌اند.» (مجیدی، ۱۳۸۱: ۲۰).

این روحیه برآمده از آموزه‌های اسلامی و اخلاق انسانی، آنان را به یاری مظلومان و حمایت از عدالت سوق داده است. در طول تاریخ، به‌ویژه در مواجهه با چالش‌های بزرگ جهان اسلام مانند اشغالگری، ظلم و ستم بر مسلمانان، این افراد و گروه‌ها با مواضع قاطع و آگاهی‌بخش خود در صحنه حاضر شده و با قلم، سخن، و حتی جان خود از آرمان‌های امت اسلامی دفاع کرده‌اند.

«در دو قرن اخیر که شاهد بیداری ایرانی مسلمانان هستیم، پیشگامی علما و اندیشمندان و آزاداندیشان و مصلحان بزرگ ایرانی در جهت بیداری اسلامی و نژاد ملت‌های مسلمان از یوغ استعمار و استبداد مشهود است. حرکت عظیم سید جمال‌الدین اسدآبادی در مجموعه جهان اسلام و حضور مؤثر آیت‌الله کاشانی در قیام مردم عراق علیه استعمار و تلاش بزرگانی چون آیت‌الله بروجردی برای تقریب مذاهب اسلامی در جهت کاهش آلام و دردهای فرزند جهان اسلام و... نمونه‌هایی از این نگاه مسلمانان ایرانی به مسائل جهانی به‌ویژه جهان اسلام است.» (مجیدی، ۱۳۸۱: ۲۰-۲۱).

شخصیت‌هایی همچون آیت‌الله کاشانی و آیت‌الله بروجردی از جمله چهره‌هایی بودند که با سخنرانی‌ها، بیانیه‌ها و تلاش‌های فرهنگی و سیاسی به مقابله با اشغالگری صهیونیستی پرداختند. آیت‌الله کاشانی به‌ویژه با مواضع قاطع خود علیه استعمار بریتانیا و صهیونیسم، مردم ایران را به همبستگی با فلسطینیان و مقاومت علیه اشغال قدس ترغیب کرد. همچنین، علمای شیعه با تأکید بر مفهوم وحدت اسلامی، زمینه‌ساز اتحاد مسلمانان در برابر دشمن مشترک شدند.

این حرکت‌ها با الهام از تعالیم شیعی، نظیر تأکید بر قیام در برابر ظلم و پاسداری از کرامت انسانی، باعث افزایش آگاهی عمومی در ایران و جهان اسلام شد. علمای ایرانی از طریق مساجد، حوزه‌های علمیه و حتی فعالیت‌های رسانه‌ای، اشغال فلسطین را نه تنها مسئله‌ای سیاسی بلکه چالشی عقیدتی و اخلاقی معرفی کردند. این تلاش‌ها پیش‌زمینه‌ای مهم برای تقویت بیداری اسلامی و نهایتاً انقلاب اسلامی ایران شد، که پس از آن، حمایت از فلسطین به یکی از اصول سیاست خارجی ایران تبدیل گردید.

۶-۱. سید جمال الدین اسدآبادی

سید جمال درک عمیقی از نیاز به اصلاحات در درون جوامع اسلامی داشت و باور داشت که تنها با بازگشت به منابع اصیل اسلامی و تقویت عقلانیت و وحدت میان مسلمانان می‌توان در برابر تهدیدات خارجی ایستاد. او همچنین بر لزوم ارتقای سطح علمی، فرهنگی و سیاسی جوامع مسلمان تأکید می‌کرد و معتقد بود که استعمارگران تنها در صورتی قادر به تسلط بر سرزمین‌های اسلامی

خواهند بود که مسلمانان به بی‌خبری و ضعف داخلی دچار شوند.

او در این مسیر با سفر به کشورهای مختلف اسلامی و برقراری ارتباط با روشنفکران و علمای آن زمان، توانست گفتمان بیداری اسلامی را گسترش دهد و به‌ویژه با انتقاد از وضعیت موجود، به روشنفکران و مبارزان مسلمان انگیزه و روش‌های جدیدی برای مقابله با استعمارگران و مستبدان ارائه دهد. در حقیقت، سید جمال‌الدین اسدآبادی نخستین کسی بود که نه‌تنها با استعمارگران غربی بلکه با استبداد داخلی کشورهای اسلامی نیز به مبارزه پرداخت و افکار و ایده‌هایش به نقطه عطفی در تاریخ بیداری اسلامی تبدیل شد. «اولین نقطه شروع بیداری اسلامی در جهان اسلام را می‌توان به تلاش‌های سید جمال‌الدین اسدآبادی نسبت داد. سید جمال‌الدین اسدآبادی ضمن درک مشکلات و آلام مسلمین، در برابر استعمار کهن ایستادگی نمود. سید جمال مهم‌ترین و مزمن‌ترین درد جامعه اسلامی را استبداد داخلی و استعمار خارجی تشخیص داد و به شدت با آن مبارزه کرد... آن‌طور که ادوارد براون گفته است: «سید جمال اولین کسی بوده است که فعالیت‌های سیاسی را بر ضد قدرت‌های سلطه‌جو در کشورهای خاورمیانه آغاز کرد و پس از آن بسیاری از نهضت‌های آزادی‌خواه در عالم اسلام بر اثر تعلیمات او به وجود آمد». در این زمینه شهید مطهری نیز می‌گوید: «بدون تردید سلسله جنبان نهضت‌های اصلاحی صد ساله اخیر، سید جمال‌الدین اسدآبادی است او دردهای اجتماعی مسلمین را به خوبی درک کرده و در راه اصلاح و چاره‌جویی آن بوده است». (طاهری، ۱۳۹۴: ۲۱۶-۲۱۵). سید جمال نه‌تنها به تبیین چالش‌های اجتماعی، فرهنگی و سیاسی جهان اسلام پرداخت، بلکه راه‌حلهایی بنیادین برای احیای هویت اسلامی و بازگشت به اصول اصیل دین ارائه داد.

سید جمال از طریق سخنرانی‌ها و تشکیل محافل اصلاحی، به روشنگری پرداخت و توانست مسلمانان را نسبت به مسائل روز و ضرورت اتحاد بیدار سازد. تلاش‌های او نه‌تنها آغازی برای مبارزه با استعمار کهن بود، بلکه مسیر تازه‌ای برای اصلاحات اجتماعی و سیاسی در جهان اسلام ترسیم کرد، مسیری که بسیاری از نهضت‌های آزادی‌خواه و اصلاح‌طلبانه در قرن‌های بعد از او الهام گرفتند. البته باید گفت که «بسیاری از حرکت‌های اسلامی معاصر در دنیای عرب و اسلام، به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم، تحت تأثیر اندیشه‌های اخوان بوده‌اند. و البته بعضی از نویسندگان بر این باور هستند که پیدایش جمعیت اخوان‌المسلمین در مصر، که سرچشمه حرکت‌های اسلامی دیگر در بلاد عربی و اسلامی معاصر است نتیجه تلاش پیگیر و گسترده فکری- فرهنگی دوره اقامت طولانی سید جمال‌الدین حسینی در مصر است، چرا که عبدالرحمن البناء، پدر شیخ حسن البناء، از شاگردان سید

بوده است و از سوی دیگر، استمرار روش اصلاحی وی، توسط شیخ محمد عبده، شاگرد زبده سید و سپس رشید رضا و دیگران- موجب پایه گذاری حرکت اصلاحی اخوان گردید. مبارزه اخوان علیه رژیم های خودکامه مصر از زمان شاه فاروق تا سرهنگ ناصر و سپس انور سادات و بعد مبارک، هیچ گاه دچار وقفه نبوده است، اگرچه با تغییر تاکتیک و شکل همراه بوده است». (خسرو شاهی، ۱۳۹۲: ۱۶-۱۷).

۲-۶- آیت الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی

«در سال ۱۳۱۲ هجری شمسی که استعمار انگلیس با حمایت از صهیونیست ها و سرکوب مسلمانان، زمین های فلسطینیان را از دست آنان خارج و به یهودیان مهاجر واگذار می کرد، درحقیقت انگلستان با غصب زمین های فلسطینیان و ساکنان اصلی آن در فراهم آوردن مهاجرت یهودیان، نقش اصلی را ایفا می کرد. سکوت دولت ایران در این قضیه با واکنش عالمان و مراجع روبه رو شد؛ به طوری که آیت الله شیخ عبدالکریم حائری معروف به آیت الله مؤسس از مراجع تقلید شیعه، بنیان گذار و زعیم حوزه علمیه قم و به تبع وی روحانیون دیگر ایران برای دفاع از مردم فلسطین دست به کار شدند و از دولت خواستند به حمایت از مردم فلسطین بپردازد. آیت الله حائری با ارسال نامه ای به رضاخان توسط آیت الله سید محمد بهبهانی به حمایت از مردم فلسطین پرداخت». (پاک نیا، ۱۴۰۲: ۳۰۷). این موضع گیری های آیت الله حائری، علاوه بر تأثیر گذاری در سطوح داخلی، زمینه ساز تقویت روحیه مقاومت در میان مسلمانان شد. پس از او نیز شاگردان و روحانیون برجسته ای که تحت تأثیر اندیشه های او بودند، مانند آیت الله بروجردی (ره)، امام خمینی (ره) و دیگر علما، مسیر حمایت از فلسطین و مقابله با اشغالگری را ادامه دادند. حوزه علمیه قم به مرکزیت آیت الله حائری و سپس شاگردان وی، به یکی از پایگاه های اصلی روشنگری در برابر استعمار و دفاع از آرمان های اسلامی تبدیل شد. تلاش های این بزرگان تأثیر قابل توجهی در افزایش آگاهی عمومی در ایران نسبت به مسائل فلسطین و اشغال قدس داشت و حمایت از مردم فلسطین را به یکی از اصول محوری نهضت اسلامی در ایران تبدیل کرد.

۳-۶. آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی

«فعالیت سیاسی آیت الله کاشانی با جهاد علیه حاکمیت انگلیسی ها در رکاب پدرش آیت الله سید مصطفی کاشانی در عراق شروع شد این جهاد به همراهی عشایر عرب صورت گرفت و آیت الله کاشانی عضو هیئت عالی انقلابیون بود. در اواخر دوره پهلوی اول به اتهام مشارکت در حزب نهضت

ملیون ایران تحت تعقیب قرار گرفت. با ورود متفقین در شهریور ۱۳۲۰ به ایران، دستگیر و تبعید شد. در بازجویی که از وی به عمل آوردند بخش اصلی و غالب بازجویی درباره همکاری او با رشید عالی گیلانی و امین الحسینی مفتی اعظم فلسطین بود». (آقانوری و ذکاوت، ۱۴۰۰: ۲۲-۲۱)

۱۱ دی ماه سال ۱۳۲۶ شمسی وقتی که آیت‌الله کاشانی از زندان و تبعید رهایی یافت ورود او به تهران با جنگ صهیونیست‌ها علیه مردم فلسطین هم‌زمان بود، استقبال از کاشانی به میتینگ‌های ضد استعماری و آزادی خواهی تبدیل شد کاشانی با صدور اعلامیه‌ای به تمام مسلمین جهان در مورد تشکیل دولت غاصب اسرائیلی اعلام خطر کرد. «وی مسلمانان جهت مخالفت با دسیسه‌های استعمار در روی کار آوردن صهیونیست‌ها دعوت به تظاهرات و اعتراض نمود و از آنان خواست تا تمام کوشش خود را برای ریشه کردن غده سرطانی صهیونیسم در اراضی اشغالی فلسطین بکار گیرند. کاشانی در همین اعلامیه عملکرد بعد سازمان ملل در قبال فلسطین را گوشزد کرد و از خطر تأسیس دولت یهودی در آتیه گفت. این‌که صهیونیسم قانون مفاسد بزرگ برای مسلمین خاورمیانه و بلکه تمام دنیا خواهد بود. کاشانی تأکید داشت که زیان چنین دولتی تنها متوجه فلسطینیان نیست». (رکن آبادی، ۱۳۷۹: ۱۶۷) در این اطلاعیه آیت‌الله کاشانی تأکید کرد که «بر تمام مسلمین عالم است که از هر طریق که می‌شود از این ظلم فاحش جلوگیری نموده و رفع این مزاحمت را از مسلمین بنمایند». (خسرو شاهی، ۱۳۹۷: ۱۱). «صدور اعلامیه یگانه اقدام کاشانی در مسأله و بحران فلسطین نبود. هفته‌ی بعد و در تاریخ ۲۰ دی ماه ۱۳۲۶ ایشان مردم را دعوت به تظاهرات به نفع مردم فلسطین کرد. بیش از ۳۰ هزار نفر از مردم تهران به دعوت آیت‌الله کاشانی، در مسجد امام خمینی (مسجد شاه سابق) اجتماع کردند، ولی وقتی دولت وقت که از فعالیت سیاسی و مذهبی آیت‌الله کاشانی بیمناک بود با توسل به زور و قوای انتظامی از سخنرانی آیت‌الله کاشانی در این میتینگ باشکوه ممانعت کرد و در نتیجه، خطیب شهر پایتخت، حجت‌الاسلام فلسفی به منبر رفت. سخنران این مجلس حجت‌الاسلام فلسفی در نقد یهودیان اسرائیل و جریان صهیونیسم بود و با تفکیک میان یهودیان ایران و صهیونیست‌ها سخنرانی خود را پایان داد». (فلسفی، ۱۳۷۶: ۴۱۲-۴۱۱) با وجود این آیت‌الله کاشانی در جمع مردم که حاضر بودند مطالبی گفته که حائز اهمیت است «وی ضمن اشاره به وضع بد مسلمانان در فلسطین مردم را دعوت به اتحاد و اتفاق کرد. کاشانی بر الگوی حسینی برای دفاع از حق تأکید داشت سپس اعلام نمود که به منظور جمع‌آوری اعانه برای کمک به مسلمین فلسطین، حسابی در بانک ملی افتتاح شده که مردم کمک‌های خود را به آن واریز کنند». (دهنوی، ۱۳۶۱: ۲۹-۲۸)

۲۸). سال بعد و در همین راستا در ۲۸ اردیبهشت ۱۳۲۷ آیت‌الله کاشانی اطلاعیه‌ای صادر و مردم را به اجتماع در روز جمعه به منظور هم‌دردی با مردم فلسطین فراخواند. «گردهمایی بزرگ در مسجد شاه تهران با هدایت آیت‌الله کاشانی و طالقانی ترتیب یافت که در آن نزدیک به ده‌هزار نیروی حضور داشتند. کاشانی در این اجتماع خطاب به مردم و نقش استعمار در ازخودبیگانگی مسلمانان تأکید کرد و آن را خطر جدی دانست». او خاطرنشان کرد که مسلمانان امروز بیش از هر چیز به اتحاد و برادری و یک‌رنگی و صمیمیت احتیاج دارند: «اسلام حدود و ثغوری برای مسلمین تعیین نکرده و نقطه یا سرزمین معینی برای آن‌ها وطن قرار نداده است و همه مناطق و ممالک اسلامی وطن مسلمین است و بر مسلمانان واجب نموده است که اگر برای برادران زحمت و مشقتی پیش آید، باید بکوشند و به کمک یکدیگر از خود رفع نگرانی نمایند به مضمون آیه مبارکه واعتصموا بحبل الله جميعا ولا تفرقوا، کمر همت بر ببندد.» (دهنوی، ۱۳۶۱: ۴۵-۴۱). «پس از برگزاری این تظاهرات و بیانات آیت‌الله کاشانی که از مردم خواسته بود جانی و مالی به مردم فلسطین کمک نمایند، از طرف فدائیان اسلام، اعلامیه‌ای نیز صادر شد که به این نکته اشاره داشت که ۵ هزار نفر از فدائیان اسلام حاضر به کمک به برادران مسلمان فلسطین هستند و با کمال شتاب از دولت ایران اجازه حرکت سریع به سوی فلسطین را دارند و منتظر پاسخ سریع دولت می‌باشند.» (خسروشاهی، ۱۳۹۷: ۱۱۷). «درواقع اتحادیه مسلمین کانون این حرکت‌ها و پل ارتباطی ایرانیان با مبارزان فلسطینی بود. حتی صندوقی برای جمع‌آوری کمک‌ها و دفتری برای اسم‌نویسی داوطلبان برای اعزام به فلسطین و فراگیری تعلیمات نظامی تشکیل شد. حاج ابوالقاسم رفیعی از دوستان نواب صفوی به داوطلبان آموزش نظامی می‌داد. بعد از اعلامیه آیت‌الله کاشانی با وجود کنترل شدید و مخالفت نیروهای امنیتی و انتظامی اعتراضات مردمی در حمایت از فلسطین صورت گرفت. تا جایی‌که در استان‌های مرزی مثل کرمانشاه تظاهرات علیه مهاجرت یهودیان به فلسطین برپا شد کاشانی حتی در ادامه به مجامع بین‌المللی درباره‌ی مسئله‌ی فلسطین نامه‌نگاری کرد روز یکشنبه دوم خرداد ۱۳۲۷، این جوانان پرشور در منزل آیت‌الله کاشانی اجتماع کردند و آماده حرکت به فلسطین بودند ولی دولت از این اقدام جلوگیری کرد.» (آقانوری و ذکاوت، ۱۴۰۰: ۲۶). پس از این‌که فلسطین توسط غاصبان صهیونیسم اشغال شد، «رژیم شاهنشاهی ایران دولت غاصب یعنی اسرائیل را به رسمیت شناخت که در این هنگام نیز آیت‌الله کاشانی آرام ننشست و دولت ملی ایرانیان که شکل گرفت. آیت‌الله کاشانی برچیده شدن کنسولگری ایران در اسرائیل را به دولت مصدق ارائه کرد. حتی متن اعلامیه دولت درباره این موضوع به توصیه کاشانی به

عربی ترجمه و منتشر شد. کاشانی حتی در اواخر عمرش نیز به فکر ماجرای فلسطین بود و با جمال عبدالناصر در این باره مکاتباتی داشت و داماد خواهرش امام موسی صدر را به این منظور به لبنان فرستاد». (خسروشاهی ۱۳۹۷: ۷۸-۹۹). همچنین آیت‌الله کاشانی در مقابله با اشغالگری صهیونیست‌ها و استعمارگران غربی نقشی برجسته و تاثیرگذار ایفا کرد. او از همان ابتدا، با شناخت صحیح از تهدیدات صهیونیسم و استعمار، بر لزوم اتحاد و همبستگی مسلمانان در برابر این دشمنان مشترک تأکید داشت. اقداماتی همچون دعوت به تظاهرات، صدور اعلامیه‌ها و فراخوان‌ها، و جمع‌آوری کمک برای فلسطینیان، نشان‌دهنده عزم راسخ او در حمایت از حقوق مسلمانان و مقابله با ظلم و استعمار بود. علاوه بر این، او با تلاش برای ارتباط با مجامع بین‌المللی و حتی کشورهای چون مصر، تلاش کرد تا ابعاد جهانی مسئله فلسطین را مطرح کند و از فشارهای سیاسی بر رژیم صهیونیستی بکاهد.

تظاهرات گسترده‌ای که تحت هدایت آیت‌الله کاشانی در تهران و دیگر مناطق ایران برگزار شد، نشانه‌ای از تاثیرگذاری اقدامات او در بیداری مردم و جلب توجه جهانیان به وضعیت فلسطین بود. حتی پس از به رسمیت شناختن دولت اسرائیل توسط رژیم شاهنشاهی، آیت‌الله کاشانی همچنان پیگیر موضوع فلسطین بود و در تلاش بود تا در سطح داخلی و بین‌المللی از حرکت‌های ضد صهیونیستی حمایت کند. البته دو عالم شیعه، «آیت‌الله محمد حسین کاشف‌الغطاء از علمای شیعه عراق و آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی علمای شیعه ایران در یک دوره‌ی زمانی زندگی می‌کردند. هر دو با مسئله فلسطین به صورت مستقیم درگیر بودند و هر دو رویکردهای نظری و عملی به این مسئله داشتند». (آقانوری و ذکاوت، ۱۴۰۰: ۱۰).

۴-۶. آیت‌الله سید حسین بروجردی

آیت‌الله بروجردی، یکی از برجسته‌ترین شخصیت‌های مذهبی و سیاسی جهان اسلام در نیمه قرن بیستم، نقش مهمی در محکوم کردن جنایات‌های رژیم صهیونیستی در فلسطین و اشغال قدس ایفا کرد. وی به عنوان مرجع عالی‌قدر شیعه، همواره بر اساس اصول اسلامی و انسانی، ظلم و اشغالگری صهیونیست‌ها در سرزمین فلسطین را محکوم می‌کرد. آیت‌الله بروجردی با درک عمیق از وضعیت مسلمانان و مظلومیت مردم فلسطین، جنایات آن را تهدیدی برای مسلمانان و جهان اسلام می‌دانست. در این راستا، وی ارتباط و همکاری با دیگر علمای جهان اسلام را برای مقابله با اشغالگری و دفاع از حقوق فلسطینیان ضروری می‌دانست. این رویکرد آیت‌الله بروجردی و

محکومیت‌های مستمر او علیه جنایات صهیونیست‌ها، به‌عنوان یک الگو برای دیگر رهبران دینی و سیاسی در جهان اسلام باقی ماند و تأثیر بسیاری بر تحولات بعدی جنبش‌های ضد اشغالگری در جهان اسلام داشت. «به‌دنبال تشنجات فزاینده میان یهودیان و مسلمانان، نخستین جنگ اعراب و اسرائیل در خرداد ۱۳۲۷ آغاز شده بود، آن دوران که سال‌های نخست زعامت آیت‌الله بروجردی بود، آن مرجع بیدار که همواره حامی مسلمانان در اقصی نقاط کشور و مدافع حدود و ثغور کشورهای اسلامی بود، بیانیه‌ای تند (۱۳۲۷/۰۳/۰۹) بر ضد صهیونیست‌ها و در دفاع از مردم فلسطین صادر کرد. این اعلامیه در محکومیت جنایات هندی‌ها در پاکستان و یهود در فلسطین صادر شد. آیت‌الله بروجردی در این اعلامیه جنایت‌های دولت اشغال‌گر قدس را محکوم نمودند و از مسلمانان ایران و جهان دعوت کردند که افزون بر کمک به مسلمانان در مجالس دعا و نیایش از یهودیان اشغالگر اعلام برائت و بیزاری نمایند و علیه اشغالگران نفرین و برای پیروزی مسلمانان در جنگ علیه اسرائیل دعا کنند.» (قربانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۹-۱۱۰).

۵-۶. شهید حجت‌الاسلام سید مجتبی نواب صفوی

فدائیان اسلام هم به رهبری «نواب صفوی» در بیانیه‌ای اعلام موجودیت خود، «آزادی کل جهان اسلام را هدف قرار دادند و بعد از اعلام موجودیت رسمی رژیم صهیونیستی، اعتراض‌های خود را به این مسئله شروع کردند و تظاهرات و جلسات متعددی را در حمایت از مردم فلسطین به راه انداختند که این جلسات با سخنرانی‌های مهیج نواب صفوی همراه می‌شد. نواب صفوی معتقد بود که باید مسئله فلسطین را اسلامی کرد نه غربی.» (اندیشکده برهان، ۱۳۹۵: ۸۸). این اقدامات فدائیان اسلام و نواب صفوی نشان‌دهنده آگاهی عمیق آنها از خطرات رژیم صهیونیستی برای جهان اسلام بود. آنها با طرح مسئله فلسطین به‌عنوان یک مسئله اسلامی، در تلاش بودند تا وحدت امت اسلامی را در برابر تهدید مشترک صهیونیسم و استعمار تقویت کنند. این رویکرد نه تنها در ایران، بلکه در سطح جهانی نیز تأثیرگذار بود و به‌ویژه در بیداری اسلامی و تحرکات ضد استعماری در کشورهای اسلامی، جایگاه مهمی پیدا کرد. در نهایت، می‌توان گفت که فدائیان اسلام با رهبری نواب صفوی به‌عنوان یکی از پیشگامان مبارزه با رژیم صهیونیستی و استعمار، نه تنها صدای اعتراض مسلمانان ایران را بلند کردند، بلکه به‌عنوان نمادی از مقاومت اسلامی در برابر ظلم و اشغالگری، تأثیرات ماندگاری بر تاریخ مبارزات جهانی ضد صهیونیستی و ضد استعماری گذاشتند.

۶-۶. حضرت امام خمینی (ره)

«رژیم پهلوی که با کودتای آمریکایی ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ تحت نفوذ تمام‌عیار نهادها و محافل مخفی و قدرتمند صهیونیسم بین‌الملل درآمده بود و اغراق نیست اگر بگوییم به پایگاه نظامی و جاسوسی صهیونیست‌ها تبدیل شده بود، هرگونه اعتراض را در این زمینه و حرکت‌های حمایتی را سرکوب می‌کرد و حیطه دستورالعمل ویژه از سخنرانان و نویسندگان خواست علاوه‌بر شاه به اسرائیل هم تعرضی صورت نگیرد. امام‌خمینی (ره) در عاشورای حسینی در سال ۱۳۴۲ با اشاره به این نکته می‌فرماید: «... می‌گویند از شاه و اسرائیل حرف نزنید. رابطه بین شما و اسرائیل چیست؟ شاید به‌نظر سازمان امنیت، شاه یهودی باشد. این که ادعای اسلام می‌کند و می‌گوید من مسلمانم برحسب ظواهر هم مسلمان است، شاید سری در کار باشد...» (مجیدی، ۱۳۸۱: ۲۵-۲۴)

«با ورود مستقیم حضرت امام‌خمینی (ره) به صحنه مبارزه و رهبری نهضت اسلامی در اولین سال‌های دهه ۴۰ شمسی، در کنار اعلام حمایت از مردم مظلوم فلسطین، خطر اسرائیل و صهیونیسم را برای جهان اسلام و صلح و امنیت منطقه و همه مسلمانان به‌ویژه ایرانیان گوشزد و با درایت و هوشمندی، حملات خود را متوجه شاه و حامیان صهیونیستی و آمریکایی او می‌کند و فرمود: این جانب، حسب وظیفه شرعی، به ملت ایران و مسلمین جهان اعلام خطر می‌کنم: قرآن کریم و اسلام در معرض خطر است. استقلال مملکت و اقتصاد آن در معرض قبضه‌ی صهیونیست‌هاست.» و این توصیه ایشان به سخنرانان و مداحان اهل بیت «علیه السلام» که: «خطر اسرائیل و عمال آن را به مردم تذکر دهید. در نوحه‌های سینه‌زنی، مصیبت‌های وارده بر اسلام و مراکز فقه و دیانت و انصار شریعت را یادآور شوید.» (مجیدی، ۱۳۸۱: ۲۴-۲۳)

حضرت امام خمینی (ره) همواره با تأکید بر مسئله فلسطین، حمایت از حقوق مردم مظلوم این سرزمین را به عنوان یکی از اصول اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران معرفی کردند. ایشان تأکید داشتند که فلسطین نه تنها مسئله‌ای عربی، بلکه یک مسئله اسلامی است و تمام مسلمانان باید در برابر تجاوزات رژیم صهیونیستی به این سرزمین شریف ایستادگی کنند. همچنین امام‌خمینی (ره) در اعلامیه‌ای که به‌مناسبت سالگرد قیام ۱۵ خرداد تهیه کردن به امضاء و امضای آیت‌الله میلانی، آیت‌الله نجفی و علامه طباطبایی رساندند تصریح کردند: «ما برای دفاع از اسلام و ممالک اسلامی و استقلال ممالک اسلامی در هر حال مهیا هستیم برنامه‌ی ما برنامه‌ی اسلام است، وحدت کلمه مسلمین است، اتحاد ممالک اسلامی است، برادری با جمیع مسلمین است. در تمام نقاط عالم هم‌پیمانی با تمام دول اسلامی از سرتاسر جهان، در مقابل صهیونیستی مقابل اسرائیل مقابل دول استعمار طلب

مقابل کسانی که ذخایر این ملت فقیر را به‌رایگان می‌برند».(صحیفه امام، جلد ۱: ۳۳۶). «از ابتدای حرکت روحانیت در دهه ۱۳۴۰، دفاع از آرمان فلسطین، محکوم کردن رژیم اشغالگر اسرائیل و انتقاد از رژیم شاه به دلیل همکاری با اسرائیل، بخشی از مبارزات روحانیت و رهبری نهضت بود. درواقع نیروهای مذهبی، اسرائیل را نماد ستم و توطئه‌ی دائمی دولت‌های قدرتمند بر ضد کشورهای اسلامی و فلسطین را نماد مظلومیت جهان اسلام در مقابل جهان غرب می‌دانستند. اوج این حمایت مربوط می‌شود به جریان جنگ شش‌روزه در خرداد ۱۳۴۶ که مراجع و علما اقدامات فراوانی برای آگاه‌سازی مردم و کمک به مردم فلسطین انجام دادند. آیت‌الله میلانی، آیت‌الله گلپایگانی، آیت‌الله سید علی بهبهانی و آیت‌الله غروی با صدور اطلاعیه‌هایی از مردم خواستند در برابر اسرائیل متحد شوند و از دولت ایران نیز خواستند تا از کمک به رژیم خودداری کند. امام خمینی نیز به‌عنوان رهبر مسلمانان، از همان زمان شروع مبارزات خود بر ضد استبداد شاه و استعمار آمریکا، مبارزه بر ضد اسرائیل و دفاع از منافع جهان اسلام را نیز شروع کردند.»(اندیشکده برهان، ۱۳۹۵: ۸۹-۸۸). امام خمینی (ره) در سال ۱۳۴۷ شمسی، در اوج مبارزه علیه رژیم شاه، اولین مرجع تقلید و پیشوای بزرگ مذهبی بود که مجوز حمایت از مبارزان فلسطینی از محل وجوهات شرعی، زکات و صدقات را صادر نمودند: «اکیداً شایسته و بلکه واجب است که قسمتی از وجوه شرعی مانند زکات و سایر صدقات را به مقدار کافی به این مجاهدان راه خدا اختصاص داد.»(قربانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۱۹-۱۱۸). حضرت امام به‌طور مکرر بیان می‌کردند که فلسطین نباید تنها در دست رژیم اشغالگر اسرائیل باقی بماند و حمایت از مردم فلسطین باید در سطح بین‌المللی گسترش یابد. ایشان علاوه بر این که از هرگونه اقدام نظامی و سیاسی علیه اسرائیل حمایت می‌کردند، تأکید داشتند که این حمایت باید در قالب تقویت جبهه‌های مقاومت و استفاده از تمامی امکانات به‌ویژه ظرفیت‌های جهان اسلام انجام شود. در نگاه امام خمینی (ره)، فلسطین نه تنها موضوع یک سرزمین خاص، بلکه نماد مبارزه با ظلم و استکبار جهانی بود. ایشان در روز جهانی قدس، که خود آن را پایه‌گذاری کردند، هر ساله مسلمانان را به حضور گسترده در حمایت از مردم فلسطین دعوت می‌کردند تا بر تمامیت‌خواهی و تجاوزگری رژیم صهیونیستی پایان دهند و صدای آزادی‌خواهان جهان را به گوش جهانیان برسانند. حضرت امام خمینی (ره) می‌فرمودند «من در حدود ۲۰ سال است که از فلسطین درمقابل اسرائیل دفاع کردم. من زمانی خطر اسرائیل را گوشزد می‌کردم که اسمی از فلسطین و اسرائیل در ایران نبود. ما دفاع مبارزات حق طلبانه فلسطینی‌ها در مقابل اسرائیل هستیم. ما دارای اصولی هستیم که تا ابد به آن پایبند

خواهیم بود».(صحیفه امام، جلد ۱۱: ۱۵۹). در نتیجه، می‌توان گفت که امام خمینی (ره) به‌عنوان یک رهبر جهانی، مسئله فلسطین را نه‌تنها یک موضوع سیاسی، بلکه یک مسئله انسانی و اسلامی می‌دانستند. تأکید ایشان بر حمایت از فلسطین، نشان از تعهد و پابندی انقلاب اسلامی به اصول عدالت‌خواهی و مقابله با ظلم و استبداد داشت و این رویکرد همچنان در سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران به‌عنوان یک اصل ثابت ادامه دارد.

۷-۶. شهید مرتضی مطهری

مرتضی مطهری، یکی از چهره‌های برجسته فکری و مذهبی ایران در قرن بیستم، در زمینه مبارزه با صهیونیسم و افشای نقشه‌های استعمارگران در راستای تحقق اهداف خود، نقش مهمی ایفا کرد. ایشان به‌عنوان یک فیلسوف اسلامی و متفکر، در آثار و سخنان خود بارها بر ضرورت مقابله با صهیونیسم جهانی و تهدیداتی که این پدیده برای جهان اسلام به همراه دارد، تأکید کرده است. «استاد مرتضی مطهری مبارزه سخت و پیگیر با صهیونیسم بین‌الملل در اسرائیل و در دفاع از حقوق پامال‌شده فلسطین را دنبال می‌کرد ایشان در بخشی از سخنانش که در عاشورای سال ۱۳۹۰ قمری برابر با اسفند ۱۳۴۸ شمسی در حسینیه ارشاد ایراد کرد می‌فرمودند: «و الله و الله ما در برابر این قضیه مسئولیم. به خدا قسم مسئولیت داریم. به خدا قسم ما غافل هستیم. والله قضیه‌ای که دل پیغمبر اکرم (ص) را امروز خون کرده‌است، این قضیه است. داستانی که دل حسین بن علی (ع) را خون کرده‌است، این قضیه است... اگر امروز حسین بن علی (علیه السلام) بود می‌گفت: اگه می‌خواهی برای من عزاداری کنی، برای من سینه و زنجیر بزنی، شعار امروز تو باید فلسطین باشد. شمر امروز موشه دایان است شمر ۱۳۰۰ سال پیش مرد شمر امروز را بشناس. امروز باید در و دیوار این شهر با شعار فلسطین تکان می‌خورد مرتب دروغ در مغز ما کردند که این یک مسئله داخلی است، مربوط به عرب و اسرائیل است اگر مربوط به این‌هاست و مذهبی نیست، چرا یهودیان دیگر دنیا مرتب برای این‌ها پول می‌فرستند؟». (پاک‌نیا، ۱۴۰۲: ۳۱۱).

مطهری در تحلیل‌های خود، صهیونیسم را نه تنها یک جنبش قومی بلکه یک طرح استعماری و نظامی می‌دید که هدف اصلی آن، سلطه بر سرزمین‌های اسلامی و به‌ویژه فلسطین بود. ایشان با توجه به تجربه‌های تاریخی و شرایط جهانی، همواره نسبت به اهداف پنهان و بلندمدت صهیونیسم هشدار می‌داد. در دیدگاه مطهری، صهیونیسم نه تنها به دنبال تشکیل دولت اسرائیل در سرزمین فلسطین بود، بلکه تلاش می‌کرد تا با ایجاد تفرقه در میان مسلمانان و کشورهای عربی، سیاست‌های خود را به

۸. انقلاب اسلامی ایران و حمایت از فلسطین

انقلاب اسلامی ایران در سال ۱۹۷۹ با رهبری امام روح‌الله موسوی خمینی، نقطه عطفی در تاریخ معاصر جهان بود. این انقلاب نه تنها منجر به تغییرات اساسی در ساختار سیاسی و اجتماعی ایران شد، بلکه پیامدهای گسترده‌ای در عرصه بین‌المللی نیز داشت. یکی از جنبه‌های مهم این انقلاب، حمایت بی‌چون و چرا از جنبش‌های آزادی‌بخش در جهان، به ویژه فلسطین بود. امام خمینی در ابتدای پیروزی انقلاب اسلامی، تاکید بسیاری بر اصول و آرمان‌های ضد استعماری و ضد استکباری داشت. حمایت از مردم فلسطین و مبارزه با ظلم و استعمار یکی از ارکان اساسی سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران قرار گرفت. در واقع، انقلاب اسلامی ایران، مبارزه با اسرائیل و حمایت از حقوق ملت فلسطین را در سطح جهانی به یکی از اولویت‌های خود تبدیل کرد.

«به‌دنبال اعلام تشکیل دولت اسرائیل در ۱۴ می ۱۹۴۸ (۲۵ اردیبهشت ۱۳۲۷)، این دوره پهلوی این رژیم را در ۶ مارس ۱۹۵۰ (۱۵ اسفند ۱۳۲۸) به‌صورت دوفاکتور به رسمیت شناخت. اسرائیل هم در دوران پهلوی دوم، ایران را به‌عنوان یک متحد استراتژیک قلمداد می‌نمود. اسرائیل، سعی بر این داشت تا مناسبات خود را با ایران دوران پهلوی هرچه بیشتر گسترش دهد. به‌دنبال پیروزی انقلاب اسلامی در (۱۱ فوریه ۱۹۷۹)، این روابط ویژه، به سرعت قطع گردید و سفارت این کشور در تهران در اختیار سازمان آزادی‌بخش فلسطین (ساف) قرار گرفت. جمهوری اسلامی با توجه به ملاحظات شرعی و انسانی، آرمان فلسطین را در صدر اهداف خود قرار داد. امام‌خمینی (ره)، اسرائیل را یک غده سرطانی می‌دانست که باید از صفحه ی روزگار محو شود و بدین‌گونه اسرائیل از یک متحد استراتژیک به یک دشمن استراتژیک مبدل شد.» (قربانی و همکاران، ۱۴۰۱: ۱۰۵-۱۰۴).

ایران به‌طور علنی اسرائیل را به عنوان یک رژیم غاصب و اشغالگر به رسمیت نشناخت و از آن زمان حمایت از مردم فلسطین به یکی از ارکان سیاست خارجی ایران تبدیل شد. این حمایت از فلسطین در سطح داخلی و بین‌المللی به اشکال مختلفی نمایان شد. در سطح داخلی، ایران با سازماندهی و برگزاری مراسم‌های مختلف، از جمله روز جهانی قدس، همبستگی خود را با مردم فلسطین نشان داد. روز قدس، که در آخرین جمعه ماه رمضان هر سال برگزار می‌شود، فرصتی برای اعلام مخالفت با اشغالگری اسرائیل و اعلام حمایت از فلسطینی‌ها است. این روز نه تنها در ایران، بلکه در بسیاری از کشورهای اسلامی و حتی در برخی کشورهای دیگر نیز به‌عنوان روز همبستگی با

مردم فلسطین شناخته می‌شود.

در سطح بین‌المللی، جمهوری اسلامی ایران از نخستین کشورهایی بود که به حمایت از جنبش‌های مقاومت فلسطینی پرداخت. ایران به ویژه از سازمان‌های مقاومتی مانند حماس و جهاد اسلامی حمایت‌های مالی، نظامی و سیاسی کرد. این حمایت‌ها به تقویت جنبش‌های فلسطینی در برابر اسرائیل کمک کرد و باعث شد تا ایران به یکی از بازیگران اصلی در معادلات سیاسی و نظامی غرب آسیا تبدیل شود. یکی از قراردادهایی را که عکس‌العمل شدید امام (ره) را دربرداشت، قرارداد کمپ دیوید بود، امام بلافاصله پس از امضای قرارداد کمپ دیوید، دستور قطع رابطه با آن کشور را به دولت موقت صادر می‌کند و می‌فرماید: «کمپ دیوید، چیزی به‌جز یک فریب و بازی سیاسی برای ادامه تجاوز اسرائیل به مسلمین نیست و بیش از ۱۵ سال است که در اعلامیه و سخنرانی‌های خود اسرائیل را محکوم کرده و از ملت فلسطین و سرزمین آن دفاع کرده‌اند، اسرائیل غاصب است و هرچه زودتر باید فلسطین را ترک کند.» (صحیفه امام، جلد ۵: ۱۷۶). «شکست ناسیونالیسم عربی با محوریت ناصر در مصر و خارج از سرزمین فلسطین از یک‌سو و شکست جریان ملی‌گرای ساف (سازمان آزادی‌بخش فلسطین) در داخل سرزمین‌های اسلامی از سوی دیگر باعث شد مسلمانانی که هیچ نقطه امیدی در خارج و داخل مرزهای فلسطین نداشتند از سال ۱۹۸۰ مقارن با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران، اسلام را به‌عنوان مبنای مبارزه برگزینند. بدین ترتیب، تلاش برای آزادی وطن عربی به تلاش برای آزادسازی وطن اسلامی تغییر هویت داد.» (دبیری مهر، ۱۳۹۲: ۱۰۹)

البته باید به این نکته توجه داشت که انقلاب اسلامی، اسلام سیاسی را زنده کرد و الهام بخش نیروها و گروه‌های اسلام‌گرا و طرفدار اسلام سیاسی شد. (شاپوری، ۱۴۰۱: ۳۷-۳۶) انقلاب اسلامی به‌طور ناخواسته به منبع الهام مبارزان بدل شده‌است. «عناصر این انقلاب ازجمله ابزار مبارزه، ایدئولوژی اسلام سیاسی، ایستادگی، نهراسیدن از مرگ و شهادت و رهبری دینی توجه بسیاری از مسلمانان به خود جلب کرده‌است. شعار این انقلاب نه شرقی، نه غربی این پیام را به‌دنبال داشت که به‌رغم وجود جهان دوقطبی می‌توان بدون تکیه بر ابرقدرت‌ها زندگی کرد. طاهر ابولؤلؤ در این زمینه می‌نویسد: «درحقیقت، ایران، مسلمانان سراسر جهان را زنده کرد، مسلمانان همواره به ایران نگاه می‌کنند و ایران اراده مستضعفان است.» (کدیور، ۱۳۷۴: ۳۸).

اقدام‌ها و تلاش‌های امام‌خمينی (ره) که پدیدآورنده‌ی بزرگ‌ترین انقلاب ضد اسرائیلی است، بر کسی پوشیده نیست و پرداختن به آن مجالی بیشتر می‌خواهد؛ اما فقط به یک فرمان تاریخی ایشان در

این باره اشاره می‌کنم ایشان در بخشی از فرمان تاریخی خود در مورد اعلام آخرین جمعه ماه مبارک رمضان به عنوان روز قدس می‌نویسد: «من از عموم مسلمانان جهان و دولت‌های اسلامی می‌خواهم که برای کوتاه کردن دست این غاصب و پشتیبانان آن‌ها به هم پیوندند و جمیع مسلمانان جهان را دعوت می‌کنم آخرین جمعه ماه مبارک رمضان از ایام قدر است و می‌تواند تعیین‌کننده سرنوشت مردم فلسطین باشد، به عنوان روز قدس انتخاب و طی مراسمی هم‌پستگی بین‌المللی مسلمانان را رد حمایت از حقوق قانونی مردم فلسطین مسلمانان اعلام نمایند از خداوند پیروزی مسلمانان بر اهل کفر را خواستارم.» رهبر معظم انقلاب حضرت آیت‌الله‌العظمی خامنه‌ای (دام‌ظله) نیز در جایگاه جانشین برحق امام‌خمینی (ره) و تداوم بخش راه آن روح قدسی، مهم‌ترین مسئله جهان اسلام را اشغال فلسطین به دست صهیونیست‌ها عنوان می‌کنند و در این باره اقدام‌های فراوانی انجام دادند؛ از جمله فرمودند: «مسئله فلسطین یک راه‌حل بیشتر ندارد و آن تشکیل دولت فلسطین در تمام سرزمین فلسطین است.» (پاک‌نیا، ۱۴۰۲: ۳۱۲-۳۱۱). در مجموع، حمایت از فلسطین در انقلاب اسلامی ایران نه تنها به عنوان یک رویکرد سیاسی و استراتژیک، بلکه به عنوان یک ارزش اخلاقی و دینی در نظر گرفته می‌شود. این حمایت در طول چهار دهه گذشته تغییرات زیادی در روابط ایران با سایر کشورها و بازیگران منطقه‌ای و جهانی ایجاد کرده و موجب شکل‌گیری محور مقاومت در خاورمیانه شده است.

نتیجه‌گیری

در این پژوهش، می‌توان به‌طور جامع به تحلیل نقشی که علمای دینی و رهبران مذهبی ایران پیش از انقلاب اسلامی در حمایت از فلسطین و اعتراض به اشغالگری اسرائیل ایفا کرده‌اند، پرداخت. نتایج تحقیق نشان می‌دهد که علما و مصلحان دینی ایران در دوره پیش از انقلاب اسلامی، به‌رغم محدودیت‌های سیاسی و اجتماعی آن زمان، به‌طور فعال و مؤثری در اعتراض به ظلم‌های وارد شده به مردم فلسطین و نقد سیاست‌های استعماری و صهیونیستی نقش داشتند. این مواضع و فعالیت‌های آنان با استفاده از اصول فقهی اسلام نظیر قاعده نفی سیل، به‌شدت بر توجه جهانیان نسبت به مسئله فلسطین تأثیر گذاشت و زمینه‌ساز یک دیدگاه اسلامی و جهانی به این مسئله شد.

علمای بزرگ و مصلحان دینی نظیر سید جمال‌الدین اسدآبادی، آیت‌الله شیخ عبدالکریم حائری یزدی، و آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی، به‌ویژه در دوران‌های حساس تاریخی، با ابراز مخالفت و انتقادهای شدید به اشغالگری‌های اسرائیل و ظلم‌های استعماری، تأثیر عمیقی بر افکار عمومی و

سیاست‌های بین‌المللی گذاشتند. این فعالیت‌ها موجب شد که مسئله فلسطین به یکی از موضوعات محوری در سیاست‌های خارجی ایران بعد از انقلاب اسلامی تبدیل شود و به‌عنوان یک بازیگر کلیدی در عرصه مقاومت علیه اشغالگری اسرائیل شناخته شود.

پژوهش صورت‌گرفته نشان می‌دهد که این حمایت‌های دینی و سیاسی نه تنها موجب بیداری و همبستگی در میان مسلمانان ایرانی شد، بلکه به‌طور غیرمستقیم بر سیاست‌های پس از انقلاب اسلامی ایران نیز تأثیر گذاشت. این تأثیر به‌ویژه در شکل‌گیری سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران در قبال فلسطین و نقش آن در محور مقاومت در سطح منطقه‌ای و جهانی مشهود است.

به‌طور کلی، نقش پیشگامانه و فعال علمای دینی ایران در دفاع از حقوق مردم فلسطین و اعتراض به سیاست‌های صهیونیستی، به‌عنوان یک عامل کلیدی در شکل‌دهی به سیاست‌های جمهوری اسلامی ایران پس از انقلاب اسلامی و تأثیرات گسترده آن در سطح جهانی مورد تأکید قرار می‌گیرد. این پژوهش با شفاف‌سازی پیوندهای تاریخی و فکری میان فعالیت‌های پیش از انقلاب و تأثیرات آن بر سیاست‌های پس از انقلاب، به درک بهتر و جامع‌تری از نقش ایران در قضیه فلسطین کمک می‌کند.

منابع و مآخذ:

- آقانوری، علی؛ ذکاوت، محمود. (۱۴۰۰). مقایسه‌ی تطبیقی رویکرد آیت‌الله کاشف‌الغطاء و آیت‌الله کاشانی در مورد بحران فلسطین، دوفصلنامه مطالعات تطبیقی تاریخ و فرهنگ اسلامی، سال اول، پاییز و زمستان، شماره اول.
- اندیشکده برهان. (۱۳۹۵). از غزه تا قدس: جلوه‌های کارآمدی گفتمان مقاومت اسلامی در فلسطین، چاپ اول، تهران، انتشارات دیدمان، ص ۱۲۱.
- بهمن، شعیب. (۱۳۹۶). توافق سلیمانی-پوتین؛ امکان‌سنجی روابط راهبردی ایران و روسیه، چاپ اول، تهران، مؤسسه مطالعات اندیشه‌سازان نور، ص ۱۹۹.
- پارسانیا، حمید؛ یوسفی، ظاهر. (۱۳۹۵). بررسی انتقادی مقاومت در اندیشه فوکو، فصلنامه معرفت فرهنگی اجتماعی، سال هفتم، شماره سوم، پیاپی ۲۷، صص ۷۲-۴۷.
- پاک‌نیا، عبدالکریم. (۱۴۰۲). حمایت علمای شیعه از فلسطین، ره‌توشه فصلنامه‌ی علمی-تخصصی ویژه مبلغان-زمستان، شماره‌ی ۱۶.
- پوراسمعیلی، نجمیه. (۱۴۰۰). رویکرد ادراکی به محور مقاومت در غرب آسیا (بازشناسی ذهنیت رهبران، چاپ اول، تهران، انتشارات مؤسسه فرهنگی مطالعات و تحقیقات بین‌المللی ابرار معاصر، ص ۳۲۶.
- توحیدی نژاد، الهام؛ وزیری، مجید، معصومی، جمشید. (۱۴۰۲). بررسی بعد اقتصادی قاعده نفی سیل، فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، دوره‌ی پنجم، شماره دوم.
- خسروشاهی، سیدهادی. (۱۳۹۲). حرکت‌های اسلامی معاصر: استراتژی نظام و مسئله شیعه و سنی، چاپ اول، قم، بوستان کتاب، ص ۲۱۶.
- خسروشاهی، محمود. (۱۳۹۷). ابر مرد جهاد و اجتهاد آیت‌الله سید ابوالقاسم کاشانی. قم: کلبه شروق
- دبیری مهر، امیر. (۱۳۹۲). مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه، چاپ اول، تهران، ناشر پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات؛ پژوهشکده باقرالعلوم علیه‌السلام، ص ۲۸۰.
- دهنوی، م. (۱۳۶۱). مجموعه‌ای از مکتوبات، سخنرانی‌ها و پیام‌های آیت‌الله کاشانی، جلد ۱، تهران، انتشارات چاپخس.
- دیاری بیگدلی، محمدتقی؛ داوری، روح‌الله. (۱۴۰۰). تأثیر آیه نفی سیل در سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، پژوهش‌نامه معارف قرآنی، سال دوازدهم، شماره ۴۴.

رکن‌آبادی، غضنفر. (۱۳۷۹). سیاست و دیانت و آیت‌الله کاشانی، تهران، مؤسسه فرهنگی دانش و اندیشه معاصر.

زارعی، بهادر؛ زینی‌وند، علی، محمدی، کیمیا. (۱۳۹۳). قاعده نفی سبیل در اندیشه اسلامی و سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، فصلنامه‌ی علمی-پژوهشی مطالعات انقلاب اسلامی، سال یازدهم، بهار، شماره ۳۶، صص ۱۶۷-۱۸۲.

شاپوری، مهدی. (۱۴۰۱). کتاب محورمقاومت، جمهوری اسلامی ایران و نظم منطقه‌ای، چاپ اول، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی، ص ۲۲۶.

صحیفه امام، جلد ۱-۵-۱۱.

طاهری، سید مهدی. (۱۳۹۴). بیداری اسلامی، از ایده تا تحقق، چاپ اول، تهران، انتشارات امیر کبیر، ص ۳۲۷.

فلسفی، محمدتقی. (۱۳۷۶). خاطرات و مبارزات حجت‌الاسلام والمسلمین فلسفی تهران، مرکز اسناد انقلاب اسلامی.

قربانی، سعید؛ فکری، محمد، فتحی، محمدجواد. (۱۴۰۱). بحران فلسطین در اندیشه آیت‌الله بروجردی و امام‌خمینی، فصلنامه بحران پژوهی جهان اسلام، سال نهم، شماره ۴، صص ۱۰۳-۱۳۰.

کدیور، جمیله. (۱۳۷۴). پشت‌پرده صلح، تهران، اطلاعات، ص ۳۲۴.

کهن‌ترابی، میثم؛ فرطوسی، حسین. (۱۴۰۱). بازخوانی چالش‌های نظری و عملی قاعده نفی سبیل، دو فصلنامه مطالعات تطبیقی فقه و اصول و مذاهب، سال پنجم، شماره دوم، صص ۲۲-۴۱.

مجیدی، محمدرضا. (۱۳۸۱). فلسطین: نگاه مسلمانان ایرانی، فصلنامه علمی پژوهشی اندیشه انقلاب اسلامی.

میری رستمی، سیدمحمد؛ سلیمی، علیرضا، ناظمی‌اشنی، محمدحسین، حسینی، سیدعلیرضا. (۱۳۹۸). بررسی الزامات بین‌المللی در مواجهه با قاعده نفی سبیل و تأثیر آن در بقا و نظام از منظر قرآن و فقه امامیه، فصلنامه مطالعات قرآنی، سال دهم، شماره ۴۰، صص ۱۱۱-۱۳۸.